

حج با خرافیون

نویسنده:

علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فهرست مطالب

۳ حج در قرآن و احادیث
۵ سخن چه کسانی مورد توجه نیست؟
۶ نقش روحانی کاروان در تفرقه زدن
۱۱ اعمال خرافیون در حج
۱۴ حاجی که از حج برگشته
۱۵ چه باید کرد؟
۱۷ سخنی با خواننده گرامی

به نام خدا

با سلام و درود بر حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکش و اصحاب وفادارش. هدف از نگارش این مختصر، بیان یک سری از افکار و اعمال ضد اسلامی عده‌ای از خرافیون شیعه در مناسک حج است، افکار و اعمالی که باعث تفرقه میان مسلمانان می‌شود، و برای وحدت امت اسلامی خطرناک می‌باشد.

شکی نیست که در طول تاریخ اسلام دست‌های پنهان اینگونه عقاید را ترویج کرده‌اند و از جهل مردم بهره برداری فراوان کرده‌اند و می‌کنند و حج که یکی از اهداف آن ایجاد وحدت میان مسلمانان است با چنین حرکاتی تبدیل می‌شود به تفرقه و جدایی. بنابراین، کسانی که از روی جهل این اعمال را انجام می‌دهند باید به خود آیند و عقل خود را به کار گیرند و دست از تقلید کورکورانه از این و آن بردارند و به فکر آخرت خویش باشند. چون کسی که به تفرقه زدن میان مسلمین کمک کند و در کوره تفرقه بدمد بدون شک مخالف راه دین اسلام رفته است، و باید منتظر عذاب باشد. همانطور که حضرت علی رضی الله عنه در نهج البلاغه خطبه ۱۲۷ فرموده: «کسی را که به تفرقه دعوت می‌کند بکشید حتی اگر زیر عمامه من باشد (یعنی حتی اگر خود من باشم)». البته روی صحبت ما با کسانی است که این عقاید را دارند و البته کسانی هم از شیعیان هستند که چنین اعمال و گفتاری را در حج نمی‌پسندند و انجام نمی‌دهند.

حج در قرآن و احادیث

در قرآن و احادیث در مورد حج مطالب فراوان آمده، مثلاً در سوره حج آیات زیر است:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۲۵﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ

عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنَ بَيْمَاتِهِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَلْبَاسَ الْفَقِيرِ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾ [الحج: ۲۶-۳۰].

«و یاد آور که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با ما هیچ شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان پاک و پاکیزه دار * و مردم را باداء مناسک حج اعلام کن تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند * تا در آنجا منافع بسیار برای خود فراهم ببینند و نام خدا را در ایامی معین یاد کنند که ما آنها را از حیوانات بهائم روزی دادیم پس بخورید از آن بهائم و به فقیران در مانده طعام دهید * سپس (بازگو) تا مناسک حج و حلق و تقصیر بجای آرند و بهر نذر و عهدی که در حج کردند وفا کنند و طواف کعبه را گرد خانه عتیق بجای آرند * این است احکام حج و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمرد البته مقامش نزد خدا بهتر خواهد بود، و چهارپایان غیر آنچه تلاوت خواهد شد همه برای شما حلال گردید، و از پلید حقیقی یعنی بتها اجتناب کنید و نیز از قول باطل دوری گزینید».

و همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد حج احادیث می‌باشند، مثل حدیث زیر از کتاب صحیح بخاری (۱۹۸/۲):

«الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ» «حج نیکو پاداشی جز بهشت ندارد».

همچنین در کتاب الفردوس (۱/۱۱۶۶/۲۹۵) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیث زیر می‌باشد:

«إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِمَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، قَالَ اللَّهُ: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ، هَذَا مَرْدُودٌ عَلَيْكَ». «هر کس با مال غیر حلال حج به جا آورد آن گاه که لبیک می‌گوید: خداوند در پاسخ می‌فرماید: لبیک و سعدیک تو درست نیست، و این به خودت باز گردانده می‌شود (حج تو مقبول نمی‌باشد)».

سخن چه کسانی مورد توجه نیست؟

قبل از بحث پیرامون مسئله باید بگوئیم: به نظر ما یک سری از افراد صلاحیت اظهار نظر در مورد بقیه مسلمانان را ندارند، چون شرایط اظهار نظر را ندارند و با حرف‌های ناسنجیده خود بیشتر موجب تفرقه می‌شوند و نباید بدانها توجه کرد. کسی که دارای علم و عقل کافی در مورد عقاید دیگر مسلمین است و همینطور دارای روحی بدون تعصب است می‌تواند نظر خود را بگوید، و تازه صحبت نمودن در مورد عقاید بقیه با بدگویی و مسخره کردن که ما اکثراً شاهد آن هستیم تفاوت دارد، اشخاص زیر واجد شرایط برای بحث نیستند و بیشتر باعث تفرقه‌اند، و خواننده گرامی هر موقع چنین شخصی را دید اصلاً به حرفهای او توجه نکند.

۱- شخصی که اصلاً هیچ کتابی از کتب مسلمین دیگر (مثلاً اهل سنت) را نخوانده و فقط از روی معلومات خودش که تمام آنها هم از کتب خود شیعه است، دائماً حرف می‌زند، و جالب اینکه اکثر این افراد حتی کتب شیعه را هم نخوانده‌اند بلکه بیشتر این سخنان که می‌گویند یا از دیگران شنیده‌اند یا پای منبر آخوندی و یا مداحی شنیده‌اند که به طور خلاصه دایره فکرشان از همان مذهب تقلیدی و وراثتی خودشان تجاوز نمی‌کند.

۲- پیرمردها و پیرزنهایی که عمری را در خرافات به سر برده‌اند و هیچ کتابی نخوانده‌اند و فقط در روضه‌ها و پای منبرها بوده‌اند و در مغزشان فقط همان حرفهای کوچه و بازاری است.

۳- کسی که دین را دکان کرده و از این راه نان می‌خورد مثل مداحان که اکثراً بی‌سواد و متعصب هستند.

۴- افراد سیاسی و حکومتی که هر صحبتی مخالف مذهب خویش را خطری علیه حکومت می‌دانند و بعضی هم جاسوس و مامور دولت و غیر قابل اطمینان هستند.

نکته: البته ممکن است یکی از همین افراد هم به واسطه بحث با ما هدایت شود و روش خویش را عوض کند، اما منظور ما این است که به حرف‌های تفرقه‌آمیز این گروه توجه نکنید چون صحبت‌های این دسته که نام بردیم همگی خرافی و پوچ و تفرقه‌آمیز است.

نقش روحانی کاروان در تفرقه زدن

باید با صراحت بگویم: ریشه اصلی اختلافات و افکار خرافی روحانیون می‌باشند. و باید به خواننده این نکته مهم را یادآور شویم و آن اینکه اگر شبهه یا سوالی برایش پیش آمد مخصوصاً سوالات غیر فقهی که بیشتر در مورد عقاید دینی است و در هنگام حج زیاد با آنان برخورد می‌کند مثل مسئله زیارت قبور یا مسئله خلافت و امامت و یا مسائل مربوط به صحابه و ... که در اینجا فرصت آوردن همه آنها نیست. اگر سوالی در این خصوص برایش پیش آمد فوراً به پیش روحانی کاروان نرود چون به طور قطع روحانی سوالی مخالف با مذهب شیعه به او نخواهد گفت، و از همه بدتر اینکه آخوندها در سرپوش گذاشتن روی مسائل و شبهات بسیار استادند و به محض پرسیدن سوال جوابی مکارانه به آن می‌دهند و مسئله را برای فرد عامی توجیه و قابل حل می‌کنند و اگر شما عاقل باشید باید بدانید که این طریق تحقیق نیست بلکه برای تحقیق اولاً باید فکرتان را از هرگونه تعصب خالی کنید و ثانیاً برای یافتن پاسخ کتاب‌های طرف مقابلتان را هم بخوانید مثلاً ببینید نظر اهل سنت چیست، بعد اگر خواستید نظر روحانی را هم بپرسید و در پایان با عقل خود تصمیم بگیرید نه اینکه فوری و با تقلید کورکورانه هر پاسخی دادند قانع شوید. روحانیون خرافی اعمال زیر را برای تفرقه افکنی انجام می‌دهند:

۱- نکته‌ای که در اینجا می‌خواهیم بدان اشاره کنیم بسیار حساس است، و غالباً کسی متوجه آن نیست و آن اینکه از اول مراسم حج تا پایان آن تمامی صحبت روحانی کاروان فقط در مورد مسائل فقهی است، و فکر تمامی عوام را به این سمت سوق می‌دهد که

مبادا طواف نساء را درست انجام ندهید و به یکدیگر حرام شوید یا مبادا سرتان را در سجده روی فرش بگذارید و فقط و فقط همین مسائل، علت آن هم این است که مبادا افکار مردم به سمتی دیگر معطوف شود مثل دوستی و رابطه با اهل سنت یا سوالاتی دیگر که به طور طبیعی وقتی با اهل سنت رابطه برقرار کنند این سوالات هم پیش می‌آید (مثل خلافت و امامت)، و روحانی از این پیش آمد هراس دارد و جلوی آنرا می‌گیرد، و طبیعی هم هست چون برای او از هر چیز خطرناکتر است.

۲- روش دیگر روحانی در تفرقه زدن بدگویی از حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه است، مثلاً وقتی کاروان را برای بازدید به کنار غار ثور می‌برند عوض اینکه به مردم بگویند: این غاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یار وفادارش ابوبکر به هنگام هجرت به مدینه در آن بوده‌اند و جانشان در خطر بوده است، و به خاطر همراهی و کمک خداوند بوده که آنها نجات یافتند و در سوره توبه آیه ۴۰ آمده که ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ یعنی خدا با ماست، و خدا با صابرين و مومنين و متقين است نه با غاصب خلافت، ولی در عوض می‌آید و معنای آیه را تحریف می‌کند و به مردم می‌گوید: در آیه آمده: ﴿لَا تَحْزَنُ﴾ یعنی: نترس، و ابوبکر در اینجا ترسیده بود، و شروع به بدگویی پشت سر ابوبکر رضی الله عنه می‌کند (خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم فرموده: ﴿لَا تَحْزَنُ﴾ مثل سوره نحل/۱۲۷، و تازه ﴿لَا تَحْزَنُ﴾ یعنی: غمگین مباش و با «لَا تَحْزَنُ» و ترسیدن فرق دارد. و از همه گذشته، ابوبکر رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غمگین بوده). البته این نمونه کوچکی از بدگویی‌های آخوندها در مورد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما است، و در جاهای دیگر در حج نیز این کار را می‌کنند، مثل هنگام بازدید از کوه احد که در آنجا هم به مردم می‌گویند: اینجا احد است، و عمر در اینجا فرار کرده است، و یا به هنگام بازدید زائرین از مساجدی که در مدینه هستند مثل مسجد قبا و مسجد ذوالقبلتین و سایر مساجد، وقتی به مسجد ابوبکر می‌رسند و در اینجا بر خلاف میل روحانی کاروان مسجدی به نام ابوبکر می‌باشد و ایشان که از این امر بسیار ناراحت هستند درباره آن توضیحی نمی‌دهد بلکه با ناراحتی می‌گویند: این هم

مسجد ابوبکر است، و ما با آن کاری نداریم و می‌رویم به سراغ مسجد سلمان و بقیه مساجد.

۳- روش سوم ایجاد بدبینی در ذهن شیعیان نسبت به اهل سنت است، و به طور مثال مرتب از کلمه وهابی صحبت می‌کنند و مترسکی درست کرده‌اند به نام وهابیت تا مبدا مردم به سمت اهل سنت گرایش یابند و طوری در ذهن عامه انداخته‌اند که اهل سنت دشمن اهل بیت می‌باشند.

۴- مورد بعدی اینکه در خلال حج یا به طور کلی در ایران و مساجد خودشان هم هیچگونه صحبتی پیرامون وحدت نمی‌کنند یا اینکه بگویند: اهل سنت هم اهل بیت را دوست دارند و شما هم با آنان برادر هستید و می‌توانید در کنار هم صحبت داشته باشید، بلکه برعکس اینجانب خود در مسجدالنبی ﷺ دیدم که چندین تن از شیعیان به دور یکنفر از اهل سنت نشسته بودند و در حال صحبت با او بودند که ناگهان روحانی کاروانشان آمد و گفت: بلند شوید و به حرفهای او گوش ندهید و مثل ابوجهل که دیگران را از شنیدن صحبت‌های پیامبر ﷺ باز می‌داشت، او هم همین کار را کرد، و این مورد خود از بزرگترین اعمال در ایجاد تفرقه است، چون روحانی می‌تواند به مردم بگوید: با اهل سنت وحدت برقرار کنید و اصولاً هم مردم به حرفهای او بیشتر و بهتر گوش می‌کنند ولی متأسفانه اینکار را نمی‌کنند و برعکس در ایجاد تفرقه می‌کوشند و فراموش نکنید صحبت‌های ایشان پیرامون وحدت که در پشت تلویزیون و یا در روزنامه‌ها می‌باشد بیشتر ظاهرسازی و سیاست‌بازی است، و به هیچ وجه عمیق و واقعی نیست، و ما باید واقع‌گرا باشیم و در واقعیت می‌بینی که در تمامی روضه‌ها و مجالس عزاداری سخنان تفرقه‌زا و یا لعن خلفا می‌باشد، حال وقتی در تلویزیون صحبت‌های خوب و قشنگ بکنند چه فایده‌ای دارد؟ چون دیگر ذهن مردم را خراب کرده‌اند و اگر ایشان واقعاً طرفدار برقراری وحدت هستند باید ریشه اختلاف را از بین ببرند و به مردم بفهمانند که مثلاً حضرت عمر درب را به پهلوی حضرت فاطمه نزده است، و این

روایات سند محکمی ندارند و جعلی هستند نه اینکه چندین هفته را دهه فاطمیه بگیرند و مرتب بالای منبر بگویند: لعنت بر فلان که درب را سوزاند و همه هم بفهمند که فلان کسی نیست جز عمر بن خطاب، چنین وحدتی به درد خودتان می خورد.

۵- کتمان: این مورد یعنی کتمان حقایق توسط روحانیون نیز از موارد مهم است، مواردی که شیعیان در صورت آگاهی ممکن است روش خویش را عوض نمایند و روحانی از گفتن آنها هراس دارد. ما در اینجا خدمت خواننده محترم چند نمونه از این حقایق را می گوئیم تا خواننده به ماهیت این آقایان پی ببرد و باید بداند که این ما فقط چند مورد را در اینجا به اختصار می آوریم و اگر بخواهیم تمام موارد را بیان کنیم کتابی جداگانه باید بنویسیم. یکی از مواردی که روحانیون نمی گویند و این مورد در اکثر کتب تاریخی و حتی کتب شیعه نیز ثبت شده مثل تاریخ یعقوبی یا کتاب کافی و تهذیب الاحکام شیخ طوسی ج ۳ ص ۳۸۰ و بحارالانوار همچنین در تاریخ طبری و بسیاری دیگر از کتابها، و آن ازدواج ام کلثوم دختر حضرت فاطمه با عمر بن خطاب خلیفه دوم می باشد که با رضایت حضرت علی انجام گرفته است، و علت کتمان این موضوع توسط روحانی روشن است، چون ممکن است در ذهن یکی از شیعیان بگذرد که مگر کسی به قاتل همسرش دختر همان همسر را می دهد و یا حسن و حسین چطور اجازه این ازدواج را داده اند و مگر خود حضرت علی هم دشمن درجه یک عمر نبوده، و سوالات فراوان دیگر. موردی دیگر اینکه نام فرزندان حضرت علی علیه السلام، ابوبکر و عمر و عثمان بوده، و دو تن از آنان در کربلا شهید شده اند ولی مداحان صحبتی از ایشان نمی کنند. (این عمل را امامان دیگر هم انجام داده اند و به اسم عایشه نیز روی دختر خویش نامگذاری کرده اند). یا اینکه نسب امام صادق علیه السلام از دو جهت به حضرت ابوبکر بر می گشته، و امام صادق علیه السلام همیشه از این جهت افتخار می نموده است، یا کتمان این موضوع که شهادت علیا ولی الله و علیا حجة الله در هنگام گفتن اذان جزو اذان نیست، و در مورد منع آن در کتاب من لایحضره الفقیه نوشته شیخ صدوق مطالب موجود است (من لایحضره الفقیه

جزو چهار کتاب اصلی شیعیان بعد از قرآن است، سه کتاب دیگر عبارتند از اصول کافی و استبصار و تهذیب). یا مورد دیگر اینکه از چهار دختر رسول خدا ﷺ یعنی زینب و ام کلثوم و رقیه و فاطمه. دو تن از آنها یعنی ام کلثوم و رقیه از همسران عثمان بن عفان بوده‌اند.

وحدتی که خرافیون از آن صحبت می‌کنند وحدت دینی و وحدت بین دو برادر مسلمان نیست، بلکه بیشتر به خاطر مصالح و حفظ قدرت و نظام سیاسی است، چون بسیاری از همسایگان هم مرز با ایران از اهل سنت هستند و در صورت عدم وحدت برای حکومت خطرناک می‌باشند و گرنه خرافیون مذهبی اصلا به وحدت عقیده‌ای ندارند و مذهب خود را جدا از سایر مذاهب می‌دانند و راه کار ایشان برای وحدت این است که رو در روی اهل سنت صحبتی نکنید ولی در غیبت آنها اگر خواستید حرفی بزنید یا سه خلیفه اول را لعن کنید و زیارت عاشورا بخوانید و ... این راه کار خرافیون به دلایل زیر مردود می‌باشد:

۱- اگر شما پنهانی به لعن و نفرین می‌پرداختید پس از کجا اهل سنت با شما مخالفند و اگر بگوئید: دشمنان وحدت اسلامی اینکار را آشکارا و برای تفرقه کرده‌اند، پس چرا کاری را که دشمنان اسلام می‌کنند شما صحیح می‌دانید، و یا اگر بگوئید ما با عقاید اهل سنت مخالفیم و با ابوبکر و عمر مخالفیم ولی با خود ایشان مشکلی نداریم، این نیز صحیح نیست، چون عقیده و فکر هر شخص نماینده خود اوست، و شما اگر راست می‌گویید پس با خوارج وحدت داشته باشید و فقط با عقیده خوارج پیرامون حضرت علی مخالف باشید و با خود خوارج خوب و مهربان باشید ولی واضح است که اینگونه نیست.

۲- دلیل دومی که در اینجا ارائه می‌دهیم و ممکن است برای بعضی خنده‌دار به نظر آید ولی واقعیت دارد. تمامی مردم می‌دانند که ما در عصر جدید هستیم و وسائل پیشرفته جاسوسی و ضبط صدا موجود می‌باشد، به طور مثال: وسائلی هست که از بیرون

منازل هم می‌تواند صدای شما را ضبط کند و یا از راههای دیگر، پس اینکه شما می‌گویید: ما در جایی که سنی‌ها نیستند لعن و نفرین و دیگر حرکات را انجام می‌دهیم، صحیح نیست، و اگر شخصی این صحبتها را ضبط کرد و بعد آن را به کشورهای دیگر برد و ایجاد تفرقه کرد در آن موقع شما مقصر هستید، و اگر این امر برای شما باور کردنی نیست، باید بگوییم: در همین انجمن دیوانگان حسین مراسم عمر کشون گرفتند و سی دی آن به کشورهای سنی اطراف رفته بود و باعث درگیری بین شیعه و سنی شده بود.

۳- مورد بعد این که ما می‌پرسیم: آیا وقتی شما پشت سر اهل سنت و عقایدشان بدگویی می‌کنید، آیا همین امر باعث نمی‌شود که رابطه خود شخص شما با آنان تیره گردد و همین باعث تفرقه بین شما با آنان می‌شود.

۴- در ضمن اینگونه سخنان پشت سر اهل سنت، باعث ایجاد کینه در دل افراد می‌شود و مانند آتشی در زیر خاکستر می‌ماند، و بالاخره در جایی خود را نشان می‌دهد، پس چنین وحدتی فایده ندارد.

اعمال خرافیون در حج

یکی از مهم‌ترین موارد، زیارت قبور است، مسئله‌ای که در ذهن اکثر اینان است این است که گمان می‌کنند اهل سنت در عربستان چون روی قبور امامان را گنبد و بارگاه نساخته‌اند پس لابد با اهل بیت دشمن هستند، باید به این افراد گفت: ساختن بنا روی قبر و طلاکاری کردن و ساختن گنبد گلین و زرین و تمامی این موارد در قرون بعدی و سالها پس از ظهور اسلام (از قرن سوم به بعد) وارد اسلام شده و بدعت می‌باشد، و گرنه چرا در اوایل اسلام پیامبر ﷺ بر روی قبر حضرت حمزه سیدالشهداء بنایی ساخت، یا روی قبر فرزندش ابراهیم و یا قبر حضرت خدیجه و یا قبور شهدای احد و شهدای بئر معونه و ... البته دلایل برای عدم ساختن بنا روی قبور فراوان است، و احادیث زیادی

که این عمل را منع کرده زیاد هستند، و حتی در کتب شیعیان فراوان است، و در هیچ جای قرآن نیز بدین امر اشاره‌ای نیست، و اگر تمامی دلایل را بنویسیم خود کتابی جداگانه می‌شود. و گهگاه در قبرستان بقیع افرادی مشاهده می‌شوند که شروع می‌کنند به بدگویی و زدن حرفهای نامربوط علیه اهل سنت در عربستان و آنان را بی دین می‌خوانند، چرا؟ چون آنها نیامده‌اند میلیونها تومان پول خرج ساختن قبرستان کنند و در دین بدعت گذارند پس دین ندارند(دینداری از نظر خرافیون فقط قبرپرستی و غیر خدا را خواندن و لعن و نفرین و... است) برای مثال احادیث زیر در نهی از ساختن قبور می‌باشند:

در کتاب کافی و وسائل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که علی علیه السلام فرمود: «بعثني رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى المدينة في هدم القبور وكسر الصور فقال: لا تدع صورة إلا محوتها ولا قبراً إلا سويتها». یعنی: «رسول خدا صلى الله عليه وسلم مرا به سوی مدینه فرستاد درباره خراب کردن قبور و شکستن صورتها و فرمود: صورتی را مگذار مگر اینکه آنرا محو کن و قبری مگذار مگر مساوی زمین کن».

در کتاب فقه الرضا روایت کرده از رسول خدا صلى الله عليه وسلم که: «لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم من جعل القبور مصلى ولعن من يجعل مع الله آلهة أخرى». یعنی: «رسول خدا صلى الله عليه وسلم لعن نمود کسی را که قبرها را جای نماز کند و لعن نمود کسی را که با خدا خدایان دیگر قرار دهد».

در کتب مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۳۲ از حضرت امیر علیه السلام نقل کرده که فرمود: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: لا تتخذوا قبوري عيداً». یعنی: «شنیدم رسول خدا صلى الله عليه وسلم می‌فرمود: قبر مرا عید (یعنی محل رفت و آمد) مگیرید».

شیخ صدوق در علل الشرایع و وسائل الشیعة باب ۶۵ از ابواب دفن روایت کرده‌اند که رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود: «لا تتخذوا قبوري قبلة ولا مسجداً، فإن الله تعالى لعن اليهود حيث اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد». یعنی: «قبرم را قبله و محل توجه قرار ندهید

و مسجد نکنید زیرا خدای تعالی یهود را لعن نمود چون قبور پیامبران خود را مساجد قرار دادند».

در کتاب محاسن برقی و کتاب وسائل باب ۴۳ از ابواب دفن اموات از حضرت علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «من جدد قبراً أو مثل مثلاً فقد خرج عن الإسلام». یعنی: «هر کس قبری را تجدید و یا مجسمه‌ای بسازد از اسلام خارج است». از موارد دیگر، یا علی گفتن عده‌ای از شیعیان در حج است. و خرافیون دائم می‌گویند: ببینید این بد سنی‌ها حتی از اسم علی هم متنفر هستند. در جواب این عده باید گفت: اهل سنت حضرت علی و سایر خلفای راشدین را دوست دارند، و علت نارضایتی آنها از این موضوع این است که در آیات فراوانی از قرآن کریم خواندن غیر خدا منع شده، و خداوند می‌فرماید که فقط او را صدا کنید و فقط او را دعا کنید، مثلاً در سوره جن آیه ۲۰ می‌فرماید: ﴿لِئَلَّا تُدْعُوا رَبِّي وَلَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۲۰]. یعنی: «بگو همانا پروردگرم را می‌خوانم، و احدی را با او شریک نمی‌گردانم». و در ضمن نباید صفات خالق را برای مخلوق هم جایز بدانیم، این صفت خداست که در همه جا حاضر و ناظر است، و از رگ گردن به بندگان نزدیکتر است.

مورد بعدی در حج، مسئله شهادت در اذان است، و اکثراً از این امر ناراضی هستند که چرا اینها در اذان: «أشهد أن علياً ولي الله وعلياً حجة الله» را نمی‌گویند، در صورتی که در کتب خود شیعه مثل کتاب من لا يحضره الفقيه که جزء چهار کتاب اصلی شیعیان بعد از قرآن می‌باشد، و نوشته شیخ صدوق است، از شهادت علیاً ولی الله در اذان منع شده، و گویندگان آن را لعن کرده است، ولی اکثر شیعیان این را نمی‌دانند و دائماً در حج ایراد می‌گیرند، و جالب اینکه روحانی آنان هم آنها را متوجه نمی‌کند، و برعکس اگر کسی هم از او درباره این موضوع سوال کند با جوابی بی ربط مسئله را توجیه می‌کند، مثلاً می‌گوید: ما این جمله را به نیت اذان نمی‌گوییم، و یا از باب تبرک می‌گوییم و ...

از موارد دیگر، طواف نساء می‌باشد، و تمامی فکر خرافیون در حج فقط متوجه این موضوع است که مبادا طواف نساء را درست انجام ندهد و به همسرش حرام شود و گاهی دیده شده به اهل سنت که طواف نساء ندارند حرفهای نامربوط می‌زنند که مثلاً شما به هم حلال نیستید.

مورد دیگر، اینکه نوعی دشمنی با عرب‌ها در ذهن خرافیون می‌باشد مثل این است که خود را جدا از آنان می‌دانند، و خود را ایرانی و فارس و آریایی و ... می‌دانند و نسبت به آنها دید منفی دارند. البته به نظر من دشمنی آخوندها یا مردم خرافی با عربها نیست، و این دشمنی در واقع با اهل سنت است، چون اینها با حزب الله لبنان خوب هستند یا با شیعیان در عربستان خوب هستند و در همین سفر حج به دیدن مسجد شیعیان می‌روند یا با شیعیان عراقی خوب هستند، پس اینها با عرب بد نیستند بلکه با عربی که سنی باشد مشکل دارند. ایرانیان باید بدانند یکی از هدفهای اسلام برداشتن همین عقاید تفرقه‌انگیز بوده، و ارزش انسانها را به میزان تقوی در آنها می‌دانسته و این دشمنان وحدت بین مسلمین هستند که اینگونه افکار را پخش می‌کنند و گرنه ما همگی امت اسلامی هستیم، و تمام مسلمانان برادر و هموطن هستند و این مرزهای بین کشورها همگی قراردادی و ساختگی است، و در طول تاریخ تغییر می‌کنند، تازه پیامبر ﷺ و امامان هم از عرب بوده‌اند، و قرآن و احادیث نیز به زبان عربی است، پس نباید نسبت به عرب بدبین بود.

حاجی که از حج برگشته

هر وقت به دیدن یکی از خرافیون که از حج برگشته می‌رویم، شروع می‌کند به بدگویی پشت سر اهل سنت که مثلاً چرا اینها در نمازشان مهر نمی‌گذارند؟! یا در اذان أشهد أن علیاً ولی الله نمی‌گویند؟! یا چرا روی قبور ائمه را گنبد و بارگاه نساخته‌اند؟! و چرا؟ و چرا؟ ...

به این بیچاره باید گفت: تو چند صد هزار تومان خرج کرده‌ای و چندین هفته وقت گذاشته‌ای که به سفر حج بروی، و تنها مطلبی که کشف کرده‌ای همین بوده که آنها مهر نمی‌گذارند و موارد دیگر، باید به این اشخاص خسته نباشید گفت، اینگونه افراد دارای فکری هستند که تا نوک بینی خود را بیشتر نمی‌بینند و اصلاً مسائل مهمتر و وسیع‌تر به فکرشان خطور نمی‌کند، مسائلی مثل وحدت بین مسلمین و مشکلات دنیای اسلام و تنها مشکل اسلام از نظر اینها همان ساخته نشدن گنبد و بارگاه روی قبور است. این افراد باید بدانند این صحبت‌های ابلهانه بیشتر باعث تفرقه می‌شود. البته روحانیون دوست دارند مردم بدینگونه عقب افتاده باشند و آنقدر مردم را بی‌سواد می‌دانند که به طور مثال در مورد مسئله مهر که هیچگونه حدیثی در کتب شیعه و سنی نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب در هنگام سجده مهر یا چیزی دیگر نمی‌گذاشته‌اند، و بعد روی آن سجده کنند بلکه بر روی حصیر یا درنوک (نوعی فرش) و بساط و و همچنین بر روی زمین سجده می‌کرده‌اند، و احادیث در این مورد می‌باشند، ولی در عوض روحانیون آنقدر از کم‌اطلاعی مردم مطمئن هستند که در تلویزیون در سریال جابر بن حیان که با امام صادق علیه السلام هم دوره بوده، نشان می‌دهند که جابر در کوهستان سجاده‌ای پهن کرده و به هنگام سجده چیزی شبیه به مهر روی سجاده گذاشته، و بر آن سجده می‌کند ولی روی زمینی که چند سانتی متر بالاتر است، یا روی همان سجاده سجده نمی‌کند (خرافات دیگری نیز در این سریال وجود داشت، مثلاً در آن امام صادق علیه السلام بدون اینکه نامه‌های رسیده از یارانش را بخواند پاسخ تمامی آن نامه‌ها را نوشت، و تحویل داد!).

چه باید کرد؟

حال باید پرسید: راه حل بر طرف کردن اختلافات و ایجاد وحدت چیست؟ چون شکی نیست که یکی از راه‌های ایجاد اتحاد بین مسلمین همین رفتن به حج است، چون تمامی مسلمین جهان در آنجا جمع می‌شوند و یکدیگر را می‌بینند، پس باید:

- از هرگونه صحبت یا اعمالی که باعث ایجاد تفرقه می‌شود خودداری کرد.
- بیشتر حواس خود را به پرستش خداوند یکتا معطوف کنیم.
- ایجاد رابطه و دوستی با مسلمانان دیگر و نظرات و انتقادات آنها را جویا شدن، البته به طور کاملاً دوستانه و به دور از تعصب و دشمنی، چون دشمنان اسلام از وحدت و دوستی شما هراس دارند.
- دوری از تفرقه جویان و به صحبت‌های آنها گوش ندادن.
- کوشش برای رسیدن به صدراسلام و اسلام خالص و اسلام حقیقی و دور کردن خرافات و عقاید غیر اسلامی، حال چه این عقاید در میان اهل سنت باشد و چه در میان شیعیان، فرقی ندارد.

سخنی با خواننده گرامی

شما خواننده محترم پس از خواندن این مطالب که شاید هم از آن خیلی خشنود نباشید باید بدانید اگر این اعمال خرافی را انجام می‌داده‌ای پس از این باید این اعمال را کنار بگذاری و شاید تا کنون از روی جهل اینکار را می‌کرده‌ای ولی بعد از این دیگر جایز نیست، و کسی که به ایجاد تفرقه کمک کند مسلماً عامل استعمارگران و دشمنان اسلام است، حال یا عمداً اینکار را می‌کند یا ناخواسته و از روی حماقت و جهل، ولی به هر حال دارد به آسیاب دشمن آب می‌ریزد.

در پایان ممکن است کسی بگوید: مذهب ما اینگونه است که مثلاً ابوبکر و عمر را غاصب خلافت و مستحق لعن کردن می‌دانیم و حضرت علی را جانشین بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله و این دیگر تقصیر ما نیست، چون اینها اصول و پایه مذهب شیعه است، و ایجاد تفرقه ربطی به ما ندارد. در جواب این عده می‌گوییم: شما تنها نباید ببینید که مذهبتان چه می‌گوید، و چشم بسته قبول کنید و از مسئولیتهای دیگر شانه خالی کنید چون این کاری است که کافران و مشرکان هم در طول تاریخ می‌کرده‌اند و حاضر به تغییر مذهب اجدادشان نبوده‌اند. شما باید بروید و تحقیق کنید (البته بدون تعصب و با فکری آزاد) که اسلام واقعی و بدون خرافات چیست، و چه می‌گوید، و این راه تنها از طریق قرآن و سنت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی: احادیث غیر جعلی که با قرآن و عقل مخالف نیستند و شرایط داشتن حدیث صحیح را دارند (نه، هر مزخرف و خرافاتی که جعل کنندگان حدیث آنها را ساخته‌اند) و همینطور خواندن کتاب‌های مسلمانان دیگر، و نه فقط خواندن کتابهای شیعه (مثل بحار الأنوار و حق‌الیقین و کتاب‌های دیگر مجلسی که مملو از خرافات و سخنان تفرقه‌انگیز است) چون روش تحقیق این است که شما ببینید طرف مقابلتان نیز چه دلایلی دارد، اگر بنا باشد که شما فقط همان کتب مذهب خود را

بخوانید، و برای سوالات هم به پیش روحانی مذهب خودتان بروید، این دیگر تحقیق نیست، و شما در واقع با اینکار دارید سر خودتان را کلاه می‌گذارید.

نکته: هدف ما از بیان این مطالب شناسایی افراد خرافاتی و بی‌سوادی است که همیشه در مراسم حج هستند و با عقاید نادرست خویش و حرکات و سخنانی که در حج انجام می‌دهند موجب شکاف بین شیعه و سنی می‌شوند و یا با سخنان ناسنجیده افراد کم اطلاع را نیز نسبت به اهل سنت بدبین می‌کنند، وگرنه منظور ما سایر طبقه روشنفکر نیستند و حتی اینجانب عقیده دارم که طبقاتی چون دانشجویان روشنفکر و یا مهندسين و یا دکترهای تحصیل کرده و به طور کل انسان‌هایی با ذهن باز و بدون تعصبات فرقه‌ای و مذهبی به آسانی سخنان منطقی را تشخیص می‌دهند و بین اسلام واقعی و عقاید خرافی تفاوت می‌گذارند، البته این قشر از اجتماع نیز باید کوشش کنند و دین واقعی و اسلام بدون بدعت و خرافات را تشخیص دهند، چون محافظین خرافات نمی‌گذارند که صدای افراد دلسوز دین به گوش بقیه برسد و هر مخالفت و حرکتی را در نطفه خفه می‌کنند و حتی سایتهایی را که عقاید و خرافات ایشان را قبول نداشته باشند می‌بندند (مثل سایتهای اهل سنت، عقیده، سنی نیوز) و دسترسی به آنان دشوار می‌شود (همه در اینترنت با واژه مشترک گرامی دسترسی به این سایت ممکن نیست به خوبی آشنا هستند) و همچنین هنگامی که با کاروانی به حج می‌آیید باید این نکته را بدانید که اشخاصی که با شما در یک کاروان همسفرند اگر این عقاید منحرف که ما گفتیم در آنها بود بدانید چنین افرادی به اهل سنت با دید منفی می‌نگرند و از نظر ایشان تمامی آنها وهابی و بد سنی هستند، و روحانی کاروان هم که اصلاً کاری به این کارها ندارد (و از این طرز فکر خوشش هم می‌آید) پس شما باید توجهی به صحبتها و کارهای آنها نداشته باشید و خودتان بروید و با اهل سنت اتحاد و همبستگی ایجاد کنید و طرز فکری خشک نداشته باشید.

پایان

پاییز ۱۳۸۶ هجری شمسی